

این شماره مجله، با تأخیر نسبت به موعد خود چاپ شد. در این فاصله خبر فوت استاد «محمد شهیر»، معمار منظر برجسته هندی موجب تأثر علاقمندان این حرفه شد. استاد که مقالاتی برای مجله منظر نیز نگاشته بود، با مرمت باغ‌های تاریخی هند و افغانستان که به سبک ایرانی ساخته شده بودند، نقش مهمی در روزآمد کردن باغ ایرانی و فعال‌سازی آن در جریان زندگی امروزی داشت. تجربه‌های «محمد شهیر» در معماری منظر و مرمت باغ‌های ایرانی یادگاری گران‌بها برای معماران منظر است. مجله منظر به نوبه خود این فقدان و ضایعه را به جامعه معماری منظر و علاقمندان به باغ ایرانی تسلیت می‌گوید.



## پا به پای «محمد شهیر» در بهشت

### تجربه‌های مرمت در باغ‌های ایرانی - هندی

**چکیده** | محمد شهیر (۱۹۴۸-۲۰۱۵ م.)، معمار منظر صاحب سبک هندی، مرمت و بازسازی باغ‌های تاریخی مختلف در هند و افغانستان را بر عهده داشته است. این مقاله به رویکردها و روش‌های وی در سه پروژه بازسازی منظر می‌پردازد: باغ مقبره همایون و محور مرکزی «ساندر نرسری»<sup>۱</sup> در دهلی، و باغ بابر در کابل. شهیر درک عمیقی از باغ ایرانی داشت و اندیشه نهفته در باغ‌سازی گورکانی را به خوبی می‌شناخت. حفظ اصالت باغ‌های تاریخی نتیجه این شناخت و همچنین دقت و توجه شهیر به جزئیات است. درک روح هندسه باغ به همان صورتی که وجود داشت و پیروی از آن، اساس کار وی را تشکیل می‌دهد. در این پروژه‌ها، بازسازی جریان آب و احیای طرح کاشت براساس شواهد تاریخی و همچنین بهره‌گیری از شیوه‌های محلی، با هدف بازگرداندن باغ به دوران شکوفایی خود انجام شده است.

درک شهیر از زمینه‌های فرهنگی محلی و طراحی منظر مطابق آن، و سبک خاص او که در عین سادگی، مداخله حداقل و پایبندی به اصالت طرح، قادر بود کارکردهای مدرن را نیز به صورت یکپارچه در باغ‌های تاریخی تعبیه کند، این سایت‌ها را به جاذبه‌های مهم گردشگری تبدیل کرده است.

**واژگان کلیدی** | محمد شهیر، بازسازی باغ، باغ مقبره همایون، باغ بابر، ساندر نرسری.

راتیش ناندا

مدیر ارشد اجرایی در بنیاد فرهنگی آقاخان، هند.

ratish.nanda@akdn.org

ترجمه از انگلیسی:

مهديه خواجه پیری

m17.spa@gmail.com



تصویر ۱: باغ مقبره همایون پس از بازسازی، محور اصلی.  
عکس: Narendra Swain، آرشیو بنیاد آقاخان، دهلی، هند.

**مقدمه** | معمار منظر، «محمد شهیر» (۱۹۴۸-۲۰۱۵ م.)، مشاور اصلی بنیاد فرهنگی آقاخان در پروژه‌های متعدد بازسازی باغ‌های تاریخی کشورهای هند و افغانستان بود، که از سال ۱۹۹۲ تا روز درگذشت نابهنگام وی در ۲۸ نوامبر ۲۰۱۵ م.، که بلافاصله پس از بازگشت او از بازدید مجموعه آرامگاه‌های قطب‌شاهیان در حیدرآباد اتفاق افتاد، با این بنیاد همکاری داشت. او بی‌شک استادی بود که اندیشه نهفته در طرح‌های معماری گورکانی را به‌خوبی می‌شناخت و درعین حال، طراحی او به‌گونه‌ای بود که می‌توانست کارکردهای مدرن را نیز به‌صورت یکپارچه در باغ‌های تاریخی تعبیه کند.

باغ مقبره همایون: بازسازی جریان آب در سال ۱۹۹۳ در حالی که توصیه‌شده بود باغ مقبره همایون در فهرست میراث جهانی ثبت شود «ایکوموس» نیز پیشنهاد بازسازی باغ‌های محصور را مطرح کرد. در سال ۱۹۹۷ به مناسبت پنجاهمین سالگرد استقلال هند، آقاخان بازسازی باغ مقبره همایون را به کشور هند هدیه داد. این نخستین باری بود که در هند، یک پروژه بازسازی باغ با اهمیت ملی، به‌صورت علمی و به‌طور مشترک توسط سازمان میراث فرهنگی هند و بنیاد آقاخان انجام می‌شد.

باغ مقبره همایون یک چهارباغ کامل است که در آن، مقبره در مرکز باغ قرار گرفته و باغ به چهار ربع تقسیم شده است. هر یک از مسیرهای اصلی نهر آبی بر محور خود دارد و چهار معبر متقاطع، با حوضچه‌ای مربع شکل در محل تقاطع و فواره‌هایی که در مرکز آن قرار دارد، آراسته شده است. هر یک از چهار عرصه مربع شکل باغ، دوباره به هشت مربع کوچک‌تر تقسیم شده که

من این افتخار را داشتم که به مدت ۱۸ سال در کنار استاد شهیر کار کنم، اندیشه او را درک کنم و ناظر اجرای طرح‌های دقیق او باشم. اگرچه نمی‌توانم در این مختصر عمق تفکر و وسعت دید او را بیان کنم اما آموخته‌هایم از او، در طی کار بر روی سه پروژه احیای منظر را در این مقاله در اختیار قرار می‌دهم.

من این افتخار را داشتم که به مدت ۱۸ سال در کنار استاد شهیر کار کنم، اندیشه او را درک کنم و ناظر اجرای طرح‌های دقیق او باشم. اگرچه نمی‌توانم در این مختصر عمق تفکر و وسعت دید او را بیان کنم اما آموخته‌هایم از او، در طی کار بر روی سه پروژه احیای منظر را در این مقاله در اختیار قرار می‌دهم.



تصویر ۲: باغ مقبره همایون پس از بازسازی، جزئیات جوی آب.  
عکس: Narendra Swain، آرشیو بنیاد آقاخان، دهلی، هند.

به جزئیات باعث شد که او نه تنها برای هر قطعه از باغ سطحی مشخص کند بلکه برای اطمینان از این که آب باران جمع شده به سرعت از طریق چهار مجرای جمع‌آوری آب به سمت آب‌خوان‌ها هدایت شود، برای هر قطعه شیب جداگانه مشخص کرد. اکثر معمارانی که می‌شناختم برای کل باغ، یا در نهایت برای هر ربع از آن یک سطح تراز پیشنهاد داده و به همان بسنده می‌کردند؛ اما شهیر با حفظ حتی ۱۰ میلی‌متر اختلاف سطح، نه تنها اصالت پروژه را حفظ کرد بلکه به میزان قابل توجهی میزان کار مورد نیاز را کاهش داد.

در هر پروژه بازسازی باغ، تنها کار بر روی قسمت‌های ساخته‌شده همچون معبرها، سکوها، حوض‌ها و آبشارها کافی نیست؛ بلکه پوشش گیاهی نیز مستلزم توجه است. از دوره گورکانیان هیچ طرحی در رابطه با نحوه کاشت بر جای نمانده است. اما طرح شهیر، نه تنها باید بر اساس مستندات تاریخی شکل می‌گرفت، بلکه می‌بایست با کارکردهای مدرن و مناسب یک سایت میراث جهانی که سالانه یک میلیون بازدیدکننده را به خود جذب می‌کند، سازگار می‌بود.

اهمیت این باغ‌مزار برای گورکانیان و سطوح باغ نقش مهمی در تعیین طرح کاشت ایفا می‌کرد. حضور درختان موجود، در طرح شهیر نقش مهمی داشتند. او هرگز اجازه حذف درختان موجود را نمی‌داد. او برای حفظ هریک از درختان موجود سختی زیادی کشید و بارها تغییراتی را در طرح خود اعمال کرد. با این حال با توجه به ملاحظات تاریخی، جابه‌جایی ۷۲ درخت «آشوکا» که در دهه قبل از بازسازی باغ به صورت نامناسبی کاشته شده بودند، لازم بود. این درختان برای ایجاد مانع بصری و پوشاندن

نمایان گر هشت بهشت قرآن است (تصویر ۱). باغ به همراه مقبره، در سال ۱۵۶۰ از نخستین باغ‌هایی بود که در محلی ساخته می‌شد که در آن هدایت جریان آب بدون شک چالشی بزرگ بود. به این ترتیب سطح عرصه باغ، برای اطمینان از آبیاری که با سرازیر شدن آب ممکن می‌شود، پایین‌تر از سطح معابر و جوی‌ها قرار گرفته است.

اگرچه مقبره همایون در اوایل دوره گورکانی مورد ستایش قرار می‌گرفت، اما با افول امپراتوری مغول از قرن هجدهم میلادی به بعد این باغ در حالت غفلت رها شد و مورد بی‌توجهی قرار گرفت. در اواسط قرن نوزدهم انگلیسی‌ها طرح رسمی و هندسی نیمه غربی باغ را تغییر دادند که به طرح‌های انگلیسی نزدیک شد. این تغییرات شامل اضافه کردن یک باغچه دایره‌ای شکل بود که به جای حوض مربع در مرکز قرار گرفت.

در اوایل قرن بیستم، «لرد کروزن» نماینده انگلیس در هند، مسئولیت بازسازی باغ را بر عهده گرفت. او با اشتیاق نهرهای آب را در محور معابر ایجاد کرد که هیچ‌کدام در دوره گورکانی وجود نداشت. چندین تغییر دیگر نیز در قرن بیستم انجام شد؛ عمده‌ترین آن‌ها عملیات کاشت در ۱۹۱۶م. بود که در آن درختان نخل به صورت نامناسب به چهار گوشه آرامگاه اضافه شد و درختان تمبره‌ندی بر روی سکوها، در محلی که در دوره گورکانی برای چادر زدن استفاده می‌شد، کاشته شدند. هیچ‌کدام از نه گونه گیاه و نه طرح کاشت جدید که در این زمان به سایت اضافه شد، بر اساس سلیقه گورکانی نبود. همچنین سه تلاش ناموفق برای بازسازی جریان آب (پیش از بازسازی سال ۱۹۹۷) انجام شد. مخرب‌ترین آن‌ها در سال ۱۹۸۴ صورت گرفت که در آن سنگفرش‌های دوره گورکانی از جا کنده شده و با مصالح آشنا و مورد پسند قرن بیستم، یعنی سیمان و بتن، جایگزین شد. پیش از امضا کردن تفاهم‌نامه برای مرمت باغ، محمد شهیر، یادداشت مختصری را همراه با تعریف اهداف، به همان شیوه همیشگی ساده اما دقیق، تهیه کرد. این یادداشت، اساس کار در شش سال بعد را شکل داد.

برای او واضح بود که این پروژه باید با احیای تراز ۳۲ قطعه مختلف سایت آغاز شود. این کار به صورت روش‌مند و علمی با حفر گودال‌هایی در چهار طرف هر قطعه، به منظور تعیین سطح اصلی انجام شد، که نشان می‌داد چگونه سطح تراز هر قطعه از باغ با قطعه دیگر متفاوت است. این تفاوت سطح هم با اندازه‌گیری عمق معبر مجاور و هم از روی سطح مجراهای خروج آب از نهرها به داخل هر قطعه مشخص می‌شد. توجه او



بخش‌های عمده‌های از باغ که ظاهر آشفتگی داشتند، کاشته شده بود.

طرح کاشت نهایی باغ مقبره، به سبک شهیر، ساده و بسیار مؤثر بود. در مسیرهای پیرامون باغ در امتداد اضلاع سایت، درختان بلند «انبه» و «چریش» که نام هر دو در مستندات تاریخی به ثبت رسیده از گورکانیان آمده، کاشته شد. در نهایت انتظار می‌رفت که تاج این درختان از آن سوی دیوار شش متری محوطه باغ معلوم باشد.

در سه قطعه از باغ، در هر یک از چهار گوشه، معبری عمود بر دیوار محوطه باغ وجود دارد که در امتداد آن یک ردیف درخت پرتغال و یک ردیف درخت نارنج کاشته شده است. گفته می‌شود درختان میوه مورد علاقه همایون بودند. ما در سال ۲۰۰۷ دوباره از سایت بازدید کردیم. این بار شهیر پیشنهاد داد که تمام فضای سه قطعه که در گوشه‌ها قرار داشت را با درختان پرتغال و لیمو به باغ میوه تبدیل کنند. در انتهای هر قطعه به سمت دیوارهای محوطه، بیشه‌ای از درختچه‌های گل ختمی کاشتند؛ و همچنین گونه‌ای دیگر به نام «محبوبه شب» که بوی شیرینی دارد. نام این درختچه‌ها در تاریخ گورکانیان ثبت شده است. همچنین در تقاطع معبرها در مرکز هر بخش، درختچه‌های «یاس رازقی» کاشته شده‌اند. در نهایت در قسمت شرقی باغ، که سطح آن پایین‌تر است، ردیف‌هایی از درخت انار در لبه غربی کاشته شد. باغ مقبره همایون احتمالاً یکی از اولین باغ‌هایی بود که بر روی زمینی هموار ساخته شده بود و به علت نبودن شیب در آن اطمینان از حفظ جریان آب در نهرها چالشی بزرگ بوده است. وجود جریان آب عنصر مهمی در باغ محسوب می‌شد؛ به همین جهت بازسازی جریان آب در پروژه ضروری بود. اما جریان آب در نهرها در اصل برای آبیاری باغ بوده است؛ به همین جهت بازگرداندن جریان آب در کانال‌های پیرامون سایت و کانال‌های قسمت جنوب غربی که در قرن بیستم اضافه شده بودند و در زمان گورکانیان وجود نداشتند، لازم نبود. در بسیاری از کانال‌ها ایجاد شیب ۱:۴۰۰۰ لازم بود. در این مرحله، شرکت مهندسی هیدرولیک «ام.کی.جی» نیز شروع به همکاری در پروژه کرد.

در سال ۱۹۸۰، بخش زیادی از شبکه توزیع آب در باغ مقبره، حین تلاش برای بازسازی و آب‌بندی بستر نهرها از بین رفته بود. کارهایی که در سال‌های ۱۹۸۴-۱۹۸۵ انجام شده بود، باید برچیده می‌شدند و کار به شیوه سنتی انجام می‌شد. به جای کف سیمانی، کف جوی‌ها با ملات آهک پوشیده شد و در عین حال شیب کانال نیز بازیابی شد. بیش از دو کیلومتر لبه نهرها با

ماسه‌سنگ، به صورت دستی و با استفاده از ابزار سنتی اجرا شد. اما در میان اولین کانال‌هایی که به این روش ساخته شدند، در لبه جداول سنگی از ملات استفاده شد که این موضوع شهیر را به شدت آزرده کرد؛ زیرا جزئیاتی نامناسب و فکر نشده بود. در نتیجه کار دوباره انجام شد و سطح معبرها تغییر کرد تا استحکام کافی برای جدول سنگی به وجود بیاید (تصویر ۲). این از اولین درس‌هایی بود که من درباره اهمیت جزئیات برای به وجود آوردن کاری بی‌عیب و نقص آموختم.

### باغ بابر : احیای باغ افغان

در سال ۲۰۰۲ بازسازی «باغ بابر» آغاز شد. این باغ که مورد علاقه بابر بود، در سال ۱۵۰۵ م. ساخته شد و بعداً برای تدفین وی به کار رفت. از اواسط قرن نوزدهم به بعد، قناتی که آب مورد نیاز باغ را تأمین می‌کرد شروع به خشک شدن کرد و این چهارباغ که از اهمیت زیادی برخوردار بود، دچار تغییرات قابل توجهی شد. ضربه واقعی زمانی وارد شد که محور اصلی باغ، که براساس طرح مغولی طراحی شده بود، با طرحی که نزدیک به باغ‌های گل در اروپا بود جایگزین شد. باغ بابر در اوایل قرن بیستم برای بازدید عموم بازگشایی شد.

باغ بابر که توسط بابر ساخته شده، از آن جهت حائز اهمیت است که آخرین استراحت‌گاه سلسله گورکانی نیز هست. پس از بابر، پادشاهان گورکانی از جمله «اکبر شاه جهانگیر» و «شاه جهان» نیز بخش‌هایی به این باغ اضافه کردند.

جنگ داخلی ۲۰ ساله در افغانستان، که تا قبل از سال ۲۰۰۲ ادامه داشت، باغ بابر را ویران کرد. در جنگ، پمپ‌های آب دزدیده شدند؛ و پوشش گیاهی و دیوارهای محیط باغ به دلیل حملات گلوله از بین رفت. قبل از نقشه‌برداری‌ها و کار ثبت که از سال ۲۰۰۲ آغاز شده بود، بیش از سه کامیون مهمات منفجر نشده در عملیات مین‌روبی از باغ بابر خارج شد.

اولین سفر شهیر به باغ بابر در اواخر سال ۲۰۰۳ صورت گرفت. برخلاف مقبره همایون که او چندین بار در هفته برای نظارت بر کارها به آنجا مراجعه می‌کرد، سفر کابل او به چند مرتبه در سال محدود می‌شد. در طول این سفرهای کوتاه بود که نبوغ و درک کامل شهیر از اصول طراحی منظر ایرانی او را قادر ساخت تا فلسفه طراحی برای بازسازی باغ بابر را فراهم کند. غیبت او در کابل، در حالی که کار بازسازی باغ در جریان بود، از طریق صداها و هزاران نقشه معماری که شهیر تهیه می‌کرد و با دقت همه جزئیات طرح منظر را در برمی‌گرفت، جبران می‌شد.



تصویر ۳: باغ بابر پس از بازسازی.  
عکس: Christian Richter, آرشیو بنیاد آقاخان، دهلی، هند.

سایت، تراس‌ها سطح‌بندی شده؛ سطوح همواری برای باغ میوه و شیب ملایمی در بین این سطوح به وجود آمد. نهرهای روباز که برای آبیاری به کار می‌رفت با طرحی دقیق جایگزین شدند که در آن برای آبیاری هر تراس، لوله‌کشی زیرزمینی انجام گرفت و پس از آن آب در نهرهایی روباز جریان پیدا می‌کرد. به این ترتیب در حین حفاظت از آب، جلوه بصری که در اثر جریان آب به وجود می‌آمد باقی می‌ماند (تصویر ۵).

در حفاری‌های باستان‌شناسی در محور مرکزی، دیوارهای حائل، کانال‌های آب، آبشار سنگ مرمر و مخازن آب در هر سطح آشکار شد. با توجه به اینکه اطلاعات باستان‌شناسی به دست آمده بسیار بااهمیت بودند آن‌ها را به دقت ثبت کردند، سپس روی آن‌ها را پوشاندند و باغ براساس آن به صورت اولیه با اختلاف چند فوت بالاتر و به سمت غرب طراحی شد. طرح کاشت توسط شهیر طراحی شد. این طرح، الهام گرفته از آرشیو تصاویری بود که در تاریخچه بابر ذکر شده بود و از وجود انبوه درختان چنار خبر می‌داد؛ همچنین به معرفی گونه‌ای از بوته گل رز افغانی و دیگر درختان کوچک میوه مانند انار و به می‌پرداخت.

زمانی که بازسازی باغ بابر شروع شده بود شیوه‌های باغبانی در کابل فراموش شده بودند. در سال ۲۰۰۲-۲۰۰۳، به پیشنهاد مشاور بریتانیایی، که با شیوه‌های گورکانیان و سنت‌های باغبانی در افغانستان ناآشنا بود، ۳۰۰ درخت به شیوه نامناسب در باغ کاشته شد که از میان آن‌ها تنها دو نهال باقی ماند. گفته می‌شود نهال‌ها باید در انتظار آمدن بهار کاشته شوند. در کاشت درخت، از نهال‌های کوچک بی شاخ و برگ استفاده می‌شود و تنها در ماه بعد می‌توان تشخیص داد که کدامیک باقی می‌مانند. واضح است که این روش پایدار نبود؛ به همین دلیل گروه پروژه بازسازی،

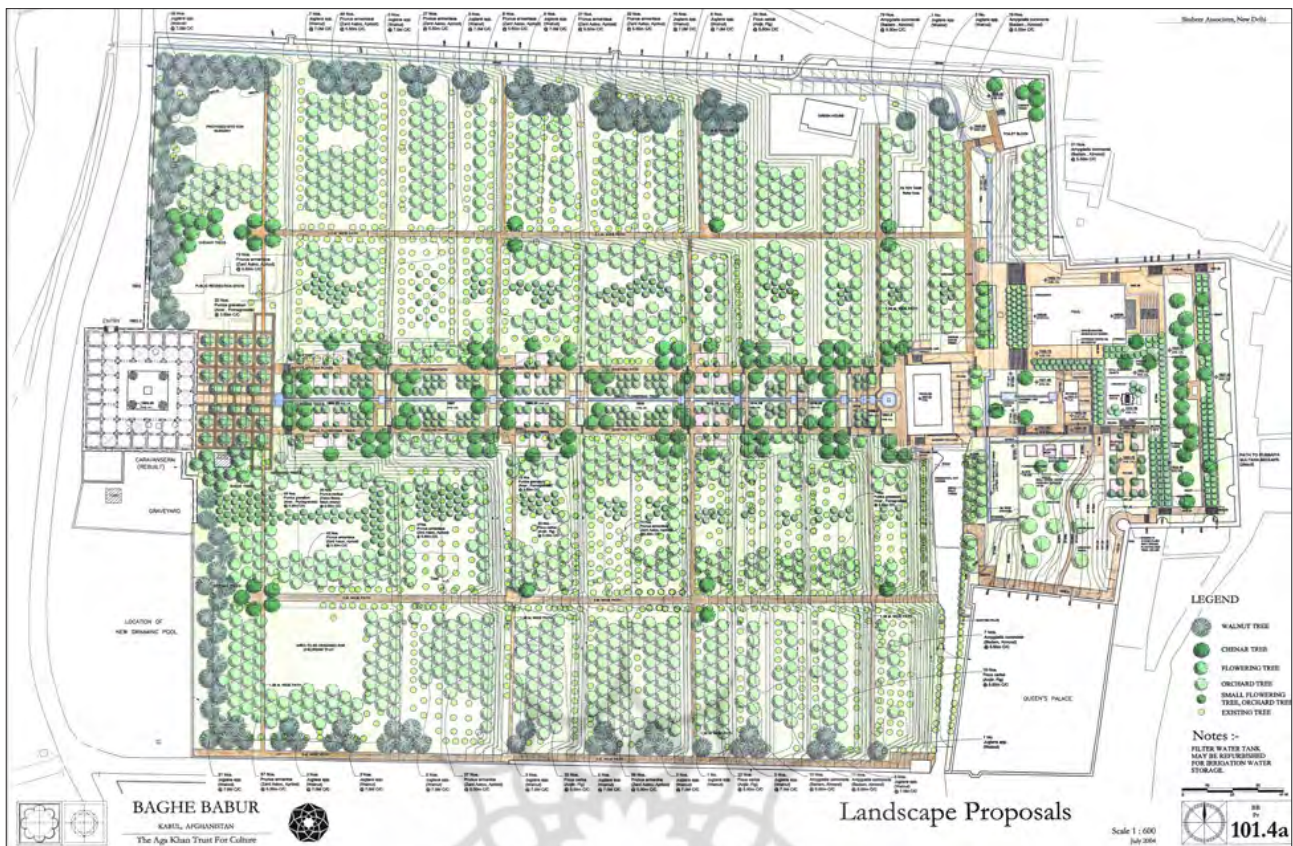
شهیر از همان ابتدا سیاست خاصی را برای بازسازی منظر باغ پیشنهاد داد که عبارت بود از: «درک روح هندسه باغ به همان صورتی که وجود داشت و پیروی از آن؛ مداخله عمده تنها در جایی صورت می‌گیرد که شواهدی از پیشینه تاریخی یا بقایایی از گذشته آن موجود باشد... ایده اصلی این رویکرد درواقع بازسازی شکل تراس‌ها و شیب آن با شیب‌بندی دقیق و پس از آن، کاشت در مقیاس بزرگ با به‌کارگیری گونه‌های موردنظر گورکانیان و همچنین پیروی از شیوه محلی بود» (Shaheer, 2015). بر اساس برنامه‌ریزی او «باغ باید به دوران شکوفایی خود بازمی‌گشت» (Ibid)؛ (تصویر ۳).

این طرح چهار طیف گسترده فعالیت را در بر می‌گرفت: «فضاهای غور و تعمق» در اطراف مقبره بابر و مسجد شاه‌جهانی که در تراس بالاتر قرار گرفته است؛ «فضاهای شلوغ با فعالیت بالا» در محور مرکزی؛ باغ میوه به‌عنوان فضایی برای تفریح و پیکنیک خانوادگی؛ و محوطه ورودی که «فضای انتقالی و رابط» است (تصویر ۴).

طراحی تراس‌های بالایی به صورتی بود که توجه را به سمت مقبره بابر و «مسجد مرمر» که توسط شاه‌جهان ساخته شده بود، هدایت می‌کرد. محور مرکزی با جوی آبی در محور آن، به دقت توسط گورکانیان طراحی شده بود و باید بر اساس شواهد باستان‌شناسی بازسازی می‌شد. چهار ردیف تراس در دو طرف محور مرکزی به شیوه باغ‌های میوه افغان کاشته شد. وجود هر دو عنصر جریان آب و باغ‌های میوه به عنوان محلی برای پیک‌نیک، برای مردم افغان فضای بااهمیتی محسوب می‌شد.

شهیر طرحی را آماده کرد که مداخله حداقل برای احیای این باغ گورکانی را به دنبال داشت. براساس برداشت‌های کامل و دقیق از





تصویر ۴: پلان باغ بابر.

مأخذ: آرشیو بنیاد آقاخان، دهلی، هند.



تصویر ۵: باغ بابر، جزئیات جوی آب پس از بازسازی.  
عکس: Christian Richter، آرشیو بنیاد آقاخان، دهلی، هند.

نهال‌های موردنیاز را در تابستان علامت‌گذاری کرده و آن‌ها را در گل‌خانه‌های حومه شهر کاشتند؛ و پیش از بهار آن‌ها را به باغ بابر آورده و در شبکه‌های بزرگ کاشتند. از میان آن‌ها گیاهانی که سالم ماندند را همراه با خاک کاشتند بدون اینکه نیازی به جدا کردن نهال‌ها از خاک باشد. این روش، که با اصرار ما، توسط باغبان‌های افغانستان به کار گرفته شد، تقریباً ۱۰۰ درصد موفق بود و باعث تعجب و رضایت همه شد.

شهیر اصولی را برای طرح کاشت باغ بابر در نظر گرفت. درختان بلند گردو در پیرامون باغ؛ در تراس‌های میانی درختان میوه مانند سیب، هلو و دیگر درختان در اندازه مشابه؛ درختان بلند چنار در امتداد محور مرکزی؛ و فضای زیادی نیز به کاشت بوته‌های رز اختصاص پیدا کرد. گذرگاه‌هایی بر روی جوی آب در سراسر مسیر در هر تراس، به بازدیدکنندگان اجازه دسترسی به آب می‌داد.

درک شهیر از زمینه‌های فرهنگی محلی و طراحی منظر مطابق آن، باغ بابر را به یکی از جاذبه‌های مهم برای بازدیدکنندگان افغانی و جهان تبدیل کرد. باغ بابر هر هفته سیصد هزار بازدیدکننده را به خود جذب می‌کند. متأسفانه شهیر در ۱۰ سال





تصویر ۶: پلان محور مرکزی ساندر نرسری.  
مأخذ: آرشیو بنیاد آقاخان، دهلی، هند.

ایجاد یک فضای گسترده منظرین در مقیاس شهری بود که بر اساس فرهنگ هندی، بر تناسب، و نه جدایی بین طبیعت، باغ، سودمندی و حفاظت از محیط زیست استوار بود و فضاهایی برای تفریح عمومی با عملکردها و الگوهای رفتار شهری مختص دهلی فراهم می کرد (Shaheer Associates, 2008).

در حالی که ساندر نرسری برای اساس اهداف سه گانه طرح جامع منظر طراحی شده بود، اما این فضاها به صورت یکپارچه به هم متصل بودند و در قلب آن محور مرکزی ۵۶۰ متری باغ، الهام گرفته شده از قالی ایرانی، جای گرفته بود (تصویر ۶)؛ جایی که انتظار می رود فضایی برای گردهمایی مردمی پس از بازگشایی ایجاد شود. در اینجا است که شهیر توانایی خود در کار با صنعت گران و مهندسان را در محور مرکزی باغ، برای ایجاد باغی جدید و فوق العاده اما بر پایه فلسفه‌ای با قدمت چند قرن به نمایش گذاشته است.

به قول شهیر: «فضایی درست در شمال بنای برج ساندر به

گذشته دیگر هرگز نتوانست به کابل برود؛ اما از دیدن تصاویر منظر تکامل یافته باغ بسیار خوشحال می شد.

محور مرکزی ساندر نرسری: الهام گرفته از طرح قالی ایرانی در سال ۲۰۰۷ به درخواست نخست وزیر هند، ادامه کار بر روی باغ مقبره همایون و فضای گسترده شهری پیرامون آن در طرح نوسازی شهری با همکاری چندین آژانس دولتی هند، سازمان باستان شناسی هند و اداره مرکزی کارهای دولتی و شهرداری، آغاز شد.

هدف پروژه «طرح نوسازی نظام الدین» از همان ابتدا، شامل حفاظت از بیش از ۵۰ بنای دوره مغول و همچنین بهبود سطح کیفیت زندگی بیش پانزده هزار نفر ساکنین منطقه «نظام الدین بستی»<sup>۳</sup> و ایجاد پارک شهری در سایت ۹۰ هکتاری ساندر نرسری بود.

در اینجا هدف طرح جامعی که توسط شهیر پیشنهاد شد،



تصویر ۷: منظره هوایی محور مرکزی ساندر نرسری.  
 مأخذ: آرشیو بنیاد آقاخان، دهلی، هند.

باغ از فراز سکوی برج ساندر، همچون فرش گسترده است» (Shaheer & Nanda, 2015); (تصویر ۷).

در شمالی‌ترین قسمت سایت، جوی‌های آب به صورت مارپیچ است و در نهایت، آب در آگیری که در دورترین نقطه باغ قرار دارد جاری می‌شود. در صدسال اخیر، این اولین باغ ساخته شده در دهلی است که از مفاهیم و طرح‌های باغ ایرانی الهام گرفته و پس از بازگشایی، بازگوکننده حساسیت و دقت محمد شهیر در طراحی منظر خواهد بود.

آن، در موفقیت این پروژه‌ها نقش مهمی داشته است. سبک او در عین سادگی، مداخله حداقل و پایبندی به اصالت طرح، قادر بود کارکردهای مدرن را نیز به صورت یکپارچه در باغ‌های تاریخی تعبیه کند. همین امر جوهره کارهایی شد که در حوزه باغ‌سازی و مرمت باغ در هندوستان سده اخیر نادر و چشم‌گیر است.

صورت باغی استادانه طراحی شده که اگرچه در آرایش و چیدمان معاصر است؛ اما تداعی‌کننده هندسه، مقیاس و شیوه‌های آبیاری به سبک گورکانیان است. در مرکز این طرح جوی آب طولی وجود دارد که در سطح بالاتری نسبت به اطرافش قرار گرفته است و از هر دو طرف آن نهرهای بسیار باریک آب منشعب می‌شوند. آب جاری در جوی مرکزی از هر دو طرف در نهرهای باریک‌تر جریان می‌یابد، سپس در حوضچه‌ای که در سطح پایین‌تری قرار گرفته می‌ریزد. این حوضچه به شکل پنجره‌های مشبک مغول و از جذاب‌ترین عناصر این باغ مینیاتور است. چشم‌انداز

**نتیجه‌گیری** | شهیر درک عمیقی از باغ ایرانی داشت و اندیشه نهفته در باغ‌سازی گورکانی را به خوبی می‌شناخت. حفظ اصالت باغ‌های تاریخی، درک روح هندسه باغ به همان صورتی که وجود داشت و پیروی از آن، اساس کار وی را تشکیل می‌دهد. همچنین درک شهیر از زمینه‌های فرهنگی محلی و طراحی منظر مطابق

پی‌نوشت

Nizamuddin Basti -۳

Lord Curzon -۲

Sunder Nusery -۱

فهرست منابع

- Shaheer, M. (2015). Restoring Baburs Garden, In *Heritage of the Mughal World*. London: Prestel.
- Shaheer, M. & Nanda, R. (2015). Sunder Nursery Conservation

- & Landscape, In *Heritage of the Mughal World*. London: Prestel.
- Shaheer Associates. (2008). *Landscape Masterplan for Sunder Nursery*. Unpublished, Aga Khan Trust for Culture.